



موضوع مسمومیت دانش آموزان یک جنایت بزرگ و غیر قابل اغماض است

صفحهٔ ۲



تیم فنی آژانس به زودی راهی تهران می‌شود

صفحهٔ ۳

**در قطعنامه بیست و یکمین کنگره حزب مردم‌سالاری تاکید شد**

# تسریع در بازنگری قانون اساسی علاج واقعه قبل از وقوع است

✓ دستاورد کاهش مشارکت مردم، مجلس حداقلی و دولت ناکارآمد است

✓ نظام جمهوری اسلامی ایران باید با صراحت اعلام کند از تجاوز روسیه به اوکراین هیچگونه حمایتی نداشته و نخواهد داشت

صفحهٔ ۲۴

## اجرای «کالابرگ الکترونیک» در کل کشور

✓ اعتبار کلیه خانوارهای یارانه‌بگیر شارژ شد

صفحهٔ ۴

عضو کمیته علمی کشوری مقابله با کرونا:

## کرونا همچنان در گردش است

عضو کمیته علمی کشوری مقابله با کرونا با اشاره به افزایش موارد ابتلا به این بیماری در کشور، گفت: کرونا همچنان در گردش است و از بین نرفته است. اکنون اکثر مواردی هم که سرماخوردگی استنباط می‌شود، کروناست. دکتر پیام طبرسی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره وضعیت کرونا در کشور، گفت: در حال حاضر تعداد موارد ابتلا به کرونا افزایش یافته است و روند ابتلا نسبت به چند هفته قبل افزایش پیدا کرده است....

صفحهٔ ۴

بگو مگوی کابینه نتانیاهو با مخالفان بالا گرفته است

## لحظات سخت اسرائیل

صفحهٔ ۱۱

نویسندگان با داستان نویس فقید خداحافظی کردند

## وداع با یارعلی پورمقدم

صفحهٔ ۹

#### سر مقاله

پرواضح است آدمی در هزاره سوم و پیچیدگی‌های جهان مدرن، نیازمند بازنگری در مفاهیم مختلف از جمله مفهوم «سواده است و برخلاف تصور عام، این مفهوم از مفاهیم چالشی و بحث برانگیز است. چنانکه برخی مقوله سواد را به توانایی‌های ذهنی خاص «خواندن و نوشتن» و برخی آن را در معنایی فراتر و به مفهوم توانایی رمزگشایی اطلاعات در تمامی زوایا و صورت‌هایی که بشر برای انتقال معنا نیاز دارد به کار برده و سواد را زمینه‌ساز به دست آوردن طیف گسترده‌ای از مهارت‌ها و دانش در جهت استفاده از اطلاعات و پردازش آن در برابر فناوری‌های نوین می‌دانند. شاید به همین دلیل سازمان علمی – فرهنگی یونسکو در دهه (۲۰۰۳-۲۰۱۲) برداشت جدیدی از سواد را که منحصر به خواندن و نوشتن نبوده و در معنای کسب قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی که در مرکز آن قابلیت‌های ارتباطی وجود دارد، مطرح کرده و در همین راستا، گرین (۱۹۹۸) و لانک شایر (۱۹۹۷) انواع سواد با قابلیت‌های مرتبط را به سواد عملیاتی، سواد فرهنگی و سواد انتقادی طبقه‌بندی کرده‌اند.

تجدیدی نظر یونسکو در تعاریف موجود را می‌توان مؤید رخدادهای جدی و عمیق در زندگی بشر در ادوار مختلف دانست. همچنان‌که تغییرات مذکور سبب شد تا در اواخر قرن بیستم، علاوه بر خواندن و نوشتن در تعریف نخست، به یادگیری رایانه و یک زبان خارجی بین‌المللی نیز تأکید گردد و در دهه دوم قرن ۲۱ نیز، دوازده قسم از اقسام دیگر سواد از جمله: سواد عاطفی، سواد ارتباطی، سواد سیاسی و غیره به تعریف موجود ضمیمه شود. مهم‌تر آن که یونسکو در جدیدترین تعریف

#### سواد سیاسی

جمشید یوسفی

از سواد می‌گوید: «باسواد کسی است که بتواند از خوانده‌ها و دانسته‌ها، تغییری در زندگی خود ایجاد کند». در حقیقت ملاک پاسوادی را نه صرف دانش‌اندوزی و کسب مهارت، بلکه توانایی به کارگیری آموخته‌ها در ریل تغییر بیان نموده‌است. حال چنانچه بپذیریم که کمال مطلوب در تحصیل سواد، توانایی درک ارتباط دو سویه، ضرورت تعامل با محیط و ایجاد تغییر متناسب با آن در زندگی آدمی است، سواد سیاسی به طریق اولی بستر درک و تسادل اطلاعات مورد نیاز هر شهروند را به منظور مشارکت و دخالت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان و تحلیل آثار و پیامدهای ناشی از انتخاب‌های مکرر فراهم خواهد کرد. در صورت هم‌سویی با مطالب پیش گفته می‌توان ادعا کرد اولاً: سواد سیاسی از دیگر مصادیق واژه «سواد» مهم‌تر است، زیرا تصمیمات بلکه از فرو غلتیدن به دامان دیکتاتوری نیز مصون بود. ثانیاً جدایی‌ناپذیری سیاست از زندگی آدمی در عصر جدید، ضرورت پرداختن به سواد سیاسی را دو چندان می‌نماید.

بنابراین داشتن سواد سیاسی به دلیل کارکردهای بسیار ارزشمند آن برای هر طبقه و گروه از طبقات اجتماعی جنبه ایجادیی داشته و جامعه‌ای که دارای سواد سیاسی باشد نه تنها بسترساز تحقق رشد در مسیر توسعه خواهد بود، بلکه از فرو غلتیدن به دامان دیکتاتوری نیز مصون مانده و تحت تاثیر هیجانات مختلف سیاسی و اجتماعی قرار نخواهد گرفت که می‌توان به برخی از آثار ارزشمند آن چنین اشاره داشت:
۱- برخورداری از حقوق اجتماعی و سیاسی برابر در چارچوب قوانین پذیرفته شده؛
۲- اجتناب از تعصبات کور و بی‌هدف؛

#### یادداشت

**لطفا قبل از کتک زدن مردم خودتان را معرفی کنید!**

محمدهادی جعفرپور\*

است که متولیان امر به ضرورت رعایت قانون ایمان داشته، خودشان را تابع و ضابط قانون بدانند، امری که بنا به رفتارهای اتخاذ شده از سوی این حضرات خلاف آن به ذهن متبادر شده، آنچه در کف جامعه و برخوردهای مشابه نسبت به آن مادر دانش آموز و موارد مشابه می‌بینیم مبین آن است که گویی چنین اشخاصی خودشان را فراتر از قانون دانسته، در رفتار و حرکات ایشان قانون و اصول قانونی هیچ محلی از اعراب ندارد!

اینکه در مواجهه با چنین حوادثی دستگاه قضایی و انتظامی کشور شخص متعرض را وابسته به فلان ارگان و نهاد می‌دانند و مردم گرفته‌اند، اکنون به عوض شناسایی فرد متعرض و دلیل چنین نتایجی، حول این موضوع بیان می‌شود که فرزند این زن در بین دانش‌آموزان مسموم شده نبوده یا اینکه اساساً وی مادر هیچ یک از دانش‌آموزان نبوده! حال اینکه آنچه پیش از طرح چنین موضوعی ضرورت دارد، واکاوی و شناسایی این موضوع است که چنین اشخاصی بنا به کدام مجوز و بر چه مبنایی به خودشان اجازه چنین رفتاری می‌دهند؟

ازاین‌رو سواد سیاسی در دنیا امروز از سوپی نیازی اساسی برای برخورداری از حقوق شهروندی بوده و مدیریت کلان را برای دولت‌مردان سخت نموده و از دیگرسو موجب انتخاب سیاست‌مداران حرفه‌ای برای اداره حکومت می‌شود و بدون سوادسیاسی، مدیریتانی نالایق به مسند طرح شعارهای فریبنده و دروغین بر جامعه حاکم شده، یا ائتلاف منابع مختلف، فقر و فساد را در جامعه حاکم می‌نمایند. شاید به همین دلیل مدیران نالایق از رشد سواد سیاسی در جامعه و بسترهای تقویت آن ابراز نگرانی کرده و مخالف آزادی بیان و شفافیت سیاسی هستند.

۳- اتخاذ مواضع سیاسی متعادل، منطقی و مبتنی بر پذیرش منافع متقابل؛
۴- برخورداری از قدرت تحلیل، ذهن تحلیلی و تفکر انتقادی؛

۵- داشتن روحیه پرسش‌گری همراه با پذیرش نظرات مخالف یا مخالفین، در مسیر حقیقت‌جویی؛
۶- ایستادگی و مقاومت در برابر تمامیت‌خواهی‌ها و زیاده‌خواهی‌های احتمالی سیاسی؛

۷- دستیابی به احزاب سیاسی قدرتمند و مستقل، تشکلهای صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد و پیشرو.

به دلایل فوق کسانی که بی‌سوادی سیاسی را فضیلتی برای خویش تلقی می‌کنند، به تعبیر فلاطون توسط احمق‌ها اداره و مدیریت می‌شوند. آنچه تعبیر بر تولد برشت: بدترین نوع بی‌سوادی، بی‌سوادی سیاسی است، زیرا عموم تصمیمات از قبیل قیمت نان، مسکن، دارو و درمان و غیره در جوامع انسانی تابع تصمیمات سیاسی است.

ازاین‌رو سواد سیاسی در دنیا امروز از سوپی نیازی اساسی برای برخورداری از حقوق شهروندی بوده و مدیریت کلان را برای دولت‌مردان سخت نموده و از دیگرسو موجب انتخاب سیاست‌مداران حرفه‌ای برای اداره حکومت می‌شود و بدون سوادسیاسی، مدیریتانی نالایق به مسند طرح شعارهای فریبنده و دروغین بر جامعه حاکم شده، یا ائتلاف منابع مختلف، فقر و فساد را در جامعه حاکم می‌نمایند. شاید به همین دلیل مدیران نالایق از رشد سواد سیاسی در جامعه و بسترهای تقویت آن ابراز نگرانی کرده و مخالف آزادی بیان و شفافیت سیاسی هستند.

معتمد نیست که باید این سطوح را برای روزنامه‌نگار شدن قائل شد. اما وظیفه نظام صنفی این است که حداقل‌هایی برای این مساله قائل شود.

**۳- قانون**

درحال حاضر قانون مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی آن اصلی‌ترین منشور حقوقی برای حرفه روزنامه‌نگاری است که دربرابر بازنگران اصلی صنف، یعنی خبرنگاران مطبوعات و روزنامه‌نگار را دستگاه‌های حاکمیتی و هیات نظارت بر مطبوعات تنها مدیرمسئول و صاحب‌امتیاز را می‌شناسد. مساله جایی خنک‌نارک می‌شود که ضابط قانونی نویسنده را هم احضار می‌کند که حق طبیعی اوست اما دیگر از هیات نظارت و هیات منصفه خبری نیست و قانون عمومی و کیفری روزنامه‌نگار را محاکمه می‌کند. اینجاست که ضرورت اصلاح قانون مطبوعات و گنج‌نشدن روزنامه‌نگاران در آن حس می‌شود، مخصوصا با پدید آمدن انسان رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی.
**۴- حمایت‌های حاکمیتی**

دولست و به‌طور اخص وزارت فرهنگ و ارشاد

طرفیم که‌ز آدم‌ها می‌خواهند طمع‌ع‌شان کنند و گرنه با ابروی‌شان بازی می‌کنند. «شنیده می‌شود»، «منابع غیررسمی می‌گویند»، «خبر تاییدنشده» و امثالهم ابزاری شده که عده‌ای تا تمسک به آن، هم با حیثیت حرفه روزنامه‌نگاری بازی کنند، هم ترویج و دروغ و شایعه کنند و هم باج بگیرند. جامعه خبرنگاری که دنبال اصلاح امور جامعه با افشاگری، همدردی و فریاد است؛ باید اول از همه شفافیت و اصلاح راه‌از خود شروع کند.

**۲- آموزش**

لزوما این‌گونه نیست که اگر کسی رشته روزنامه‌نگاری نخواند، خبرنگار نیست، حرفه ما نه فلان مدرک را می‌خواهد نه فلان رشته و حتی سابقه. هر فردی با هر مدرک و سابقه‌ای با درج یک خبر و گزارش در رسانه می‌تواند خود را خبرنگار بنامد. درحالی‌که در مهندسی، پزشکی، پرستاری، وکالت و... چنین نیست. برای عضویت در سازمان نظام مهندسی و کانون وکلا، هم باید سطحی از مدرک داشت هم گزینش شد تا به عضویت آن صنف درآمد. نگارنده

دادگستری علاوه بر وثاقت و مورد اعتمادبودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است!! با چنین وصفی این سوال مطرح است ؛چند درصد از اشخاصی که با لباس شخصی، خودشان را مجاز به اتخاذ هرگونه رفتاری علیه شهروندان می‌دانند دارای چنین اوصافی در تعریف ضابط قضایی هستند؟

ماده۳۲ این قانون نظارت بر ضابطان دادگستری را از وظایف دادستان می‌داند،آ تا

به امروز دادستان، فارغ از اینکه چنین اشخاصی وابسته به چه ارگانی هستند برخورد قانونی و اقدام قضایی مناسب در محکوم کردن چنین رفتارهایی داشته‌اند؟!

مناظر که بیشتر بیان شد علیرغم مصرات قانونی که به تفصیل در باب بایدها و نبایدهای قضایی-انتظامی با هدف حفظ حقوق شهروندی و توجه به کرامت انسانی اشاء شده است، آنچه در عمل شاهد آن هستیم چیزی جز نقض قانون نیست.

لذا به نظر می‌رسد آنچه پیش از استناد به قانون و ادعای رعایت قانون در درجه اهمیت قرار می‌گیرد، تعیین تکلیف لباس شخصی‌ها و پذیرش مسئولیت نظارت بر چنین اشخاصی از سوی مراجع ذیربط است، بلکه برای یک مرتبه هم که شده، اعمال قانون و اجرای صحیح قوانین حاکم بر اعمال حاکمیت دستگاه‌های ذربط علیه ناقضان حقوق شهروندی و حریم خصوصی شهروندان را به چشم ببینیم.

**\*\* وکیل دادگستری منبع: خبرآنلاین**

و ماده ۳۱ آیین‌نامه اجرایی آن که حمایت‌های دولتی از رسانه‌ها را منوط به بیمه کردن نیروی انسانی می‌داند از گام‌های موثر برای حفظ امنیت شغلی خبرنگاران به‌شمار می‌آید. کلام آخر اینکه مرجعیت رسانه‌ای در کشور با رسمیت یافتن عناصر رسانه‌ای تثبیت می‌شود. اگر مساله امنیت ملی امروز ما، تلاش رسانه‌های معاند برای برهم زدن نظم عمومی و آرامش مردم شده، درعوض این رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران هستند که جلوی آنها می‌ایستند. در چهار، پنج‌ماه اخیر هیچ روزنامه‌نگار و مطبوعه‌ای حرف‌از تحریم نزد با وجودی که تعدادی از همکاران رسانه‌ای بازداشت شدند که در جای خود باید به آن پرداخت و با ا تصاف و عدالت و پذیرش اصل پرسشگری و حساسیت‌های کار خبری آنها را به قضاوت نشست، اما بچه‌های خبرنگار و مدیران رسانه‌ها قلم را زمین نگذاشتند و نقد خود را هم بیان کردند. این اقدام را باید ستود و امید بدان داشت همان‌گونه که اکثریت روزنامه‌نگاران بازداشتی آزاد شدند، بقیه نیز به جامعه خبری برگردند.

**منبع:خبرآنلاین**